

## بررسی حکم فقهی معاملات مرتبط با باروری‌های

### پزشکی (اسپریم، تخمک، جنین و رحم)\*

□ علی رحمانی فرد (رحمانی سبزواری)\*\*

□ سید رضا جباری\*\*\*

#### چکیده

امروزه به لحاظ پیشرفت دانش پزشکی و تقاضای بسیار برای استفاده انواع باروری‌های پزشکی به جهت بچه دار شدن، معاملات مرتبط با باروری‌های پزشکی رونق شتابنده‌ای یافته و این در حالی است که فقها در این باره نظرات گوناگونی بیان کرده‌اند که با توجه به پیروی عموم مردم از احکام اسلامی، لزوم استخراج حکم شرعی مسایل مربوط را می‌طلبد.

این پژوهش به دنبال بررسی همه‌جانبه استدلال فقهی این موضوع از منظر فقه پویای امامیه می‌باشد و احکام مختلف تکلیفی و وضعی مرتبط با این موضوع همچون خرید و فروش اسپریم، تخمک، جنین و رحیم را مورد بررسی قرار داده و به این نتیجه رسیده است که خرید و فروش تخمک جایز، ولی در مورد اسپریم اشکالات متعددی وجود دارد، و بهترین راه اخذ پول در مقابل رفع ید از حق اختصاص نسبت به اسپریم می‌باشد. همچنین نسبت به تلقیح مصنوعی جنین دارای دو مبنای جواز و حرمت است؛ اما معامله جنین تحت عنوان بیع امکان‌پذیر نیست، ولی می‌توان از طریق معاملات دیگر مثل هبه، صلح و وکالت، یا از روش‌هایی مثل اعراض، اذن، یا قرارداد خصوصی به رحیم منتقل کرد. در مورد اجاره رحیم نظر موافقان، جواز آن بشرط پرهیز از مقدمات و مستلزمات حرام، و نظر مخالفان حرمت اجاره است.

**کلیدواژه‌ها:** معاملات، اسپریم، تخمک، تلقیح مصنوعی، رحیم جایگزین.

\*. تاریخ وصول: ۱۴۰۱/۴/۱۵ تاریخ تصویب: ۱۴۰۱/۱۱/۱۲.

\*\* . دانشیار و عضو هیات علمی جامعه المصطفی العالمیه و استاد خارج فقه و اصول حوزه علمیه قم (arafi@chmail.ir).

\*\*\* . سطح چهار حوزه علمیه قم، دکتری فقه و مبانی حقوق اسلامی، قم (نویسنده مسئول) (jabbari5360@yahoo.co.uk).

## مقدمه

فرزنددارشدن و تکثیر اولاد، امری مطلوب و مورد تأکید شریعت اسلام است. از نظر همه عقلای عالم و ادیان، به خصوص دین مبین اسلام، یکی از والاترین و مهم‌ترین اهداف از ازدواج، به وجود آمدن نسل و فرزند است.

از نظر قرآن کریم؛ فرزند داشتن و باقی گذاردن نسل، برای هر مسلمان امری مطلوب است و این امر مورد هیچ مناقشه‌ای نیست. در واقع مطلوب آیات الهی آن است که هیچ فرد مسلمانی با اختیار خود بدون فرزند نماند. قرآن کریم تقاضای فرزند از سوی حضرت زکریا<sup>علیه السلام</sup> به محضر حق تعالی را که «پیری‌ام فرا رسید و موهام سپید شد ولی نسلی از من که وارث من گردد باقی نماند» و نیز دعای ایشان را نقل کرده است: «وَزَكَرِيَّا إِذْ نَادَى رَبَّهُ رَبِّ لَا تَذَرْنِي فَرْدًا وَأَنْتَ خَيْرُ الْوَارِثِينَ» (انبیاء: ۸۹) و زکریا [را یاد کن] هنگامی که پروردگار خود را خواند؛ پروردگارا مرا تنها مگذار و تو بهترین ارث برندگان<sup>۱</sup>ی».

در بررسی متون معتبر دینی با مجموعه گسترده‌ای از روایات، خصوصاً روایات نبوی<sup>ص</sup> و روبرو می‌شویم که افزایش نسل و تعداد مسلمین مایه مباهات رسول اکرم<sup>ص</sup> دانسته شده و به فرزندآوری بیشتر توصیه شده است.

رسول خدا<sup>ص</sup> در حدیثی روشنگر فرمودند: «أَيُّهَا النَّاسُ، تَزَوَّجُوا؛ فَإِنَّي مُكَائِرٌ بِكُمْ الْأُمَمَ يَوْمَ الْقِيَامَةِ؛ اِی مردم ازدواج کنید که من به فزونی شما در روز قیامت به امت‌های دیگر افتخار می‌کنم» (قاضی قضاعی، ۱۳۶۱: ۱/۳۱۵).

لذا در مجموع، این اندازه از تأکید و سفارش به ازدواج با زنان بسیار فرزندآور در آیات و روایات، به خوبی گویای نظر قاطع شارع مقدس بر مطلوبیت فرزندآوری می‌باشد.

اما در جوامع امروزی، میزان شیوع ناباروری در پژوهش‌های مختلف بسیار بالا گزارش شده است. به همین علت معضل ناباروری در میان بسیاری از خانواده‌ها، توجه آن‌ها را به تلقیح مصنوعی و بارداری از این راه، معطوف کرده است؛ به طوری که با پیشرفت چشم گیر

روش‌های تلقیح مصنوعی، انبوهی از مسائل جدید را از یکسو پیش روی پژوهشگران و صاحب نظران قرار داده و از سوی دیگر پاسخ به سؤالات بی‌شمار فقهی از ناحیه بیماران، فقیهان را وادار کرده تا با توجه به نیاز جامعه، با کمک قواعد عمومی، اصول کلی و ادله فقهی، مشروعیت این موضوعات را استخراج و بیان کنند؛ بنابراین، مقاله حاضر، در پی بیان حکم فقهی معاملات مرتبط با باروری‌های پزشکی می‌باشد.

## فصل اول: مفاهیم

### ۱-۱. مفهوم شناسی

#### الف) مفهوم تلقیح مصنوعی

معنای لغوی: «تلقیح» مصدر باب تفعیل از ماده «لَقَحَ» به معنای باردار کردن، و «لقاح» مصدر ثلاثی مجرد آن و به معنای باردار شدن جنس مؤنث است (ابن‌منظور، ۱۴۱۶: ۱۲/۳۰۷ و ۵۷۹؛ الشرتونی، بی‌تا: ۲/۱۱۵۳).

کلمه «لقاح» و «لقاح» به معنای «ماء الفحل»، یعنی مایع و آب جنس نر است (ابن‌منظور، ۱۴۱۶: ۱۲/۳۰۷؛ طریحی، ۱۴۱۶: ۳/۱۶۴۰). استعمال «لَقَحَ» نه تنها در مورد ابر، گیاه ۲ و حیوان به کار رفته، بلکه در مورد زنان هم استعمال شده است (همان). از این رو، ماده «تلقیح» به طور کلی و بدون هیچ قیدی بر «آبستن کردن» دلالت می‌کند.

معنای اصطلاحی: تلقیح مصنوعی به این معناست که حمل یا جنین بدون مقاربت بین جنس نر و ماده به وجود آید. (امامی، ۱۳۴۹: ۳۵۵-۳۵۶).

برخی نیز در تعریف تلقیح مصنوعی گفته‌اند: «تلقیح مصنوعی عبارت است از انجام تلقیح میان اسپرم مرد و تخمک زن به روشی غیرطبیعی» (الحسینی، ۱۴۲۰: ۱/۱۸۶). هیچ‌یک از تعاریف مذکور جامع و دقیق نیست؛ زیرا در برخی موارد زن، نابارور و شوهر بارور است و برای باردار کردن زن از تخمک بیگانه استفاده می‌شود و این‌گونه موارد نیز جزء تلقیح مصنوعی

است در حالی تعاریف فوق آن را شامل نمی‌شود. بنابراین، تلقیح مصنوعی عبارت است از بارور کردن اسپرم و تخمک بدون انجام نزدیکی میان صاحبان آن دو. این تعریف، مواردی که تخمک زن بیگانه‌ای را به رحیم زوجه منتقل نموده و سپس از طریق نزدیکی با همسرش بارور می‌گردد، هم شامل می‌شود.

### ب) مفهوم جنین

معنای لغوی: واژه «جنین» بر وزن «فعلیل» به معنای مفعول (صدر، ۱۳۸۳: ۵/۴۹۴)، از ماده جَنّ گرفته شده، منظور از آن، هر چیز پوشیده شده (مستور) است، به همین خاطر به انسان در رحیم مادر، از آن جهت که از دیده پنهان است، جنین گفته می‌شود؛ «الجنین، الولد مادام فی بطن امه لاستتاره فیه و جمعه اجنّه و اجنن، وقد جَنّ الجنین فی الرحیم و اجنّهُ الحامل» (ابن منظور، ۱۴۰۵: ۱۳/۹۳). قرآن کریم با ملاحظه همین جهت می‌فرماید: «وَ إِذْ أَنْثَمَ اجْنَّةَ فِی بُطُونِ اُمّهَاتِکُمْ». هنگامی که در شکم مادرانتان پنهان بودید (نجم: ۳۲).

**معنای اصطلاحی:** هرچند فقهای مسلمان در ابواب مختلف فقهی، همچون: طهارت، جهاد، رهن، وصیت، نکاح، طهار، لعان، عتق، تدبیر، اقرار، صید و ذباحت، ارث، و دیات از جنین سخن گفته و آن را در مورد بحث خود قرار داده‌اند، اما تعریف دقیق و روشنی از آن جز همان مفهوم لغوی، ارائه نکرده‌اند؛ «الجنین و هو الولد مادام فی البطن» (جبعی عاملی، ۱۴۰۴: ۸/۲۱۲).

در منابع حقوقی نیز تعاریفی کم‌وبیش مشابه برای جنین شده‌است؛ همچون: جنین همان نطفه استقرار یافته در رحیم مادر است که آغاز زندگی اش همان زمان استقرار یافتنش است و پایان جنین بودنش، ورود به مرحله جدید یعنی اطلاق طفل بر آن لحظه قبل از ولادت است» (شهیدی، ۱۳۸۰: ۱۴۲).

### ج) مفهوم اهدای اسپرم

استفاده از اسپرم اهدایی، هنگامی صورت می‌گیرد که زوج، اسپرم ندارد و یا اسپرم او توانایی بارور کردن تخمک را ندارد؛ این در حالی است که زوجه دارای تخمک و رحیم سالم باشد؛



بررسی حکم فقهی معاملات مرتبط با باروری‌های پزشکی (اسپریم، تخمک، جنین و رحم) □ ۱۱

همچنین؛ هرگاه مرد دچار اختلالات ژنتیکی یا ارثی باشد، یا این که ناقل هنجاری‌های کروموزومی باشد، استفاده از اسپرم‌اهدایی به زوج توصیه می‌شود. استفاده از اسپرم جایگزین به دوروش صورت می‌پذیرد:

الف) قبل از زمان رهاسازی تخمک، اسپرم آماده شخص ثالث به دستگاه تناسلی زن انتقال داده می‌شود.

ب) در لقاح خارج رحمی از اسپرم اهدایی استفاده می‌شود که استفاده از این روش به دلایل پزشکی، اخلاقی و شرعی مناسب‌تر است (بروکسل، ۱۳۹۲: ۹۲-۳۰).

#### د) مفهوم اهدای تخمک

هنگامی که زن دارای رحم سالم باشد، اما تخمک‌های او توانایی تولید تخمک و یا تخمک سالم را نداشته باشد و یا این که زن مبتلا به بیماری ژنتیکی باشد و احتمال انتقال آن به جنین وجود داشته باشد؛ در این صورت استفاده از تخمک اهدایی توصیه می‌شود. اهدای تخمک، روشی است که در آن تخمک‌ها از تخمدان‌های زن سالم برداشته می‌شود و در آزمایشگاه در مجاورت با اسپرم همسر گیرنده یا تزریق اسپرم به داخل سیتوپلاسم، تخمک بارور می‌شود و در نهایت جنین به رحم زن گیرنده منتقل می‌گردد (جان لانگمن، ۱۳۹۷: ۸۲-۷۲).

#### ه) مفهوم رحم جایگزین

رحیم جایگزین یا همان رحم اجاره ای، شیوه‌ای است برای دستیابی زوج‌های نابارور به فرزند که به موجب آن بانوی صاحب رحم به وسیله روش‌های کمکی تولیدمثل جنین حاصل از لقاح اسپرم و تخمک والدین حکمی، باردار شده و متعهد می‌گردد که پس از طی دوران بارداری و زایمان بر اساس قرارداد منعقدشده بین زوجین حکمی، نوزاد را به زوج نابارور متقاضی تحویل دهد. زوجین نابارور را والدین حقیقی و بانوی صاحب رحم که حامل بارداری است را مادر جایگزین تلقی می‌کنند که به رحم جانشین اطلاق می‌شود (بابکی، ۱۳۹۵: ۲۱).

## و) مفهوم معاملات

«معاملات» عبارت از احکام شرعی متعلق به امور دنیاست به اعتبار بقای شخص؛ مانند بیع، رهن، اجاره، نکاح و جز آن‌ها... و بالجمله آنچه مقصود اهم از آن دنیا باشد، معامله است (سجادی، ۱۳۶۳: ۴/۲۶۶).

معامله (اخص)، به معنای عقود و ایقاعات است؛ یعنی هر امر اعتباری که وجودش در خارج، بر قصد و رضایت و انشا متوقف باشد، چه انشای دو جانبه (عقد) و چه یک جانبه (ایقاع).

معامله، کلمه‌ای است که در قوانین و نوشته‌های حقوق دانان ما به عنوان واژه مترادف «عقد» و «قرارداد» به کار رفته است،

## حکم معاملات مرتبط با تلقیح مصنوعی

در عملیات تلقیح مصنوعی وجود سه رکن؛ اسپرم مرد، تخمک زن و رحیم زن ضروری است و به ملاحظه این سه رکن معاملاتی برای نتیجه دادن عملیات تلقیح مصنوعی کارایی پیدا می‌کند که در ضمن سه صورت حکم شرعی متعلق به این معاملات بررسی می‌شود:

## خرید و فروش اسپرم

بحث دیگری که در رابطه با بانک‌های اسپرم مطرح است مساله خرید و فروش اسپرم است. در مواردی که در عملیات تلقیح مصنوعی نیاز به اهدای اسپرم از سوی دیگری است، آیا خرید و فروش اسپرم در این صورت جایز است یا نه؟

اشکالاتی نسبت به خرید و فروش اسپرم مطرح شده است:

۱. منی و اسپرم از اعیان نجسه است و خرید و فروش اعیان نجسه باطل است، همان طور که فقها در مکاسب محرمه به آن تصریح نموده‌اند (عاملی شهید اول، ۱۴۱۴: ۲/۶؛ اردبیلی ۱۴۰۳: ۸/۲۸؛ فیض کاشانی، بی‌تا: ۳/۵۰؛ فاضل هندی، ۱۴۱۶: ۱/۴۰۹؛ انصاری، ۱۴۱۵: ۱/۹۷).

مرحوم شیخ انصاری در مکاسب فرموده است: اشکالی در حرمت بیع منی به خاطر نجاستش نمی‌باشد (انصاری ۱۴۱۵: ۱/ ۲۹)<sup>۳</sup>. در پاسخ از این اشکال می‌توان گفت: مجرد اینکه مبیع از اعیان نجسه باشد موجب بطلان بیع نمی‌شود، لذا نجاست به خودی خود مانع از صحت بیع نیست، بلکه صحت بیع دایر مدار وجود منفعت محلله عقلایی است، لذا اگر مبیع مالیت عرفیه و شرعیه داشته باشد و مالیت داشتن آن هم ربطی به طهارت و نجاست آن نداشته باشد بیع آن صحیح است.

لذا، شیخ انصاری در مکاسب محرمه به این نتیجه رسیده است: مجرد نجاست نمی‌تواند مانع بیع باشد (انصاری، ۱۴۱۵: ۱/ ۳۳)<sup>۴</sup>؛ لذا عمده همان وجود منفعت محلله عقلایی است.

سید روح الله خمینی در این رابطه می‌گوید:

از کلمات فقها در بسیاری از موارد روشن می‌گردد که حرمت خرید و فروش اعیان نجسه دایر مدار عدم جواز بهره‌برداری و انتفاع از آن است. (خمینی، ۱۴۰۹: ۱/ ۳۸)<sup>۵</sup>؛ لذا اگر عین نجسی دارای منفعت محلله عقلایی باشد بیع آن جایز است همان طور که نسبت به خرید و فروش خون برای اهداء به بیماران نیازمند، فقها فتوای به جواز داده‌اند (سبزواری ۱۴۱۳: ۱۶/ ۵۰؛ خویی بی‌تا: ۱/ ۵۴؛ خمینی، ۱۴۱۵: ۲/ ۶۲۵؛ قمی ۱۴۲۶: ۷/ ۳۴۳؛ روحانی، ۱۴۲۹: ۵/ ۱۳۵؛ حکیم، ۱۴۲۲: ۳۵۹؛ مکارم شیرازی ۱۴۲۲: ۲۵۰).

۲. در بحث اهدای اسپرم از سوی مرد بیگانه دو مبنا در حکم تکلیفی آن وجود دارد: مبنای جواز و حرمت، لذا این اشکال باید طبق هر دو مبنا انجام شود.

اگر مبنای ما حرمت اهدای اسپرم از سوی مرد بیگانه و تلقیح با تخمک اجنبی باشد، گفته شده است: اگر نجاست اسپرم هم مانع از صحت بیع نباشد ولی شرط صحت بیع وجود منفعت محلله عقلائیه و مالیت داشتن مبیع است و در محل بحث اگر مبنا این شد که تزریق اسپرم به مرد بیگانه حرام است، دیگر منفعت عقلایی بر خرید و فروش اسپرم مترتب نمی‌شود چون منفعت آن برای استفاده در تلقیح مصنوعی و تزریق در رحم زن بود

که این منفعت مقصوده را شارع مقدس حرام نموده است. لذا، با الغای منفعت مقصوده از شیء توسط شارع، از اسپرم الغای مالیت می‌شود و در نتیجه خرید و فروش آن باطل است به خاطر عدم وجود مالیت.

لذا، بنابر مبنای حرمت تلقیح و اهدای اسپرم مرد بیگانه، خرید و فروش اسپرم باطل است به خاطر عدم وجود منفعت و مالیت.

ولی اگر مبنای ما این شد که اهدای اسپرم مرد بیگانه و تزریق آن به رحیم زن جایز است، در این صورت مبیع منفعت محلله مقصوده عقلائییه دارد که شارع مقدس هم منفعت و مالیت آن را الغاء نکرده است. در نتیجه خرید و فروش اسپرم در این صورت جایز می‌باشد.

سید عبدالاعلی سبزواری فرموده است:

اگر منی منفعت محلله داشته باشد، بیع آن جایز است (سبزواری، ۱۴۱۳: ۱۶/۵۰).

همچنین برخی از فقها تصریح کرده‌اند که در عصر حاضر منفعت محلله منی و اسپرم، استفاده و به کارگیری برای تلقیح مصنوعی است لذا خرید و فروش آن جایز است (منتظری، ۱۴۰۵: ۱/۲۹۲؛ روحانی ۱۴۲۹: ۱/۵۳).

ولی اشکال اینست که خریدن اسپرم مرد بیگانه توسط چه کسی صورت می‌گیرد؛ اگر شوهر زن، اسپرم مرد بیگانه را از بانک اسپرم خریداری می‌کند در اینجا منفعت عقلائییه اسپرم، بچه‌دار شدن این شوهر و انتساب طفل به اوست ولی این منفعت به او نخواهد رسید چون همان طور که در بحث نسب خواهد آمد طفل از ناحیه پدر انتساب به صاحب اسپرم دارد، لذا پدر این طفل همان شخصی است که اسپرم از او خریداری می‌شود و شوهر زن، پدر طفل نخواهد شد. لذا خریدن اسپرم منفعت و فایده‌ای برای او ندارد.

بله اگر خریدار اسپرم، زن باشد در این صورت چون طفل به او انتساب دارد یا به ملاک صاحب رحیم بودن و یا به ملاک صاحب تخمک بودن، لذا منفعت فرزنددار شدن و مادر شدن برای او فرض می‌شود، لذا خریدن اسپرم جایز است (شوپایی جویباری، ۱۳۹۵: ۵۴).

۳. اسپریم و تخمک جزء فضولات انسانی هستند، مثل مدفوع و بول، و انسان مالک فضولات بدن خویش نیست تا بتواند آنها را به دیگران بفروشد. پس انسان مالک منی خود نیست بلکه نهایتاً و نسبتاً به آن حق اختصاص دارد (سیستانی، ۱۴۲۸: ۳۱۳).

در حالی که در صحت بیع، مملوکیت شرط است همان طور که حدیث مشهور «لا بیع إلا فی ملک» (احسایی، ۱۴۰۵: ۲/۲۴۷) و دیگر احادیث بر آن دلالت دارند (جرعاملی، ۱۴۰۹: ۱۸/۵۱).

لذا فروختن اسپریم و تخمک باطل است چون ملکیت نسبت به آنها معنا ندارد.

بله، چون حق اختصاصی انسان بر آنها ثابت است، شخص می‌تواند در قبال رفع‌ید از حق اختصاص خود، پول دریافت کند که در حقیقت به هبه معوضه برمی‌گردد.

نتیجه: خرید و فروش اسپریم‌های موجود در بانک اسپریم مبتلا به اشکالات متعددی بوده و صحیح نمی‌باشد، لذا در مواقع ضرورت می‌توان از باب رفع‌ید از حق اختصاص شخص نسبت به اسپریم خود پول دریافت کند که در حقیقت به هبه معوضه برمی‌گردد.

### خرید و فروش تخمک

اگر زنی تخمک مناسب برای تلقیح ندارد، آیا خود او یا شوهرش می‌توانند از زن دیگری تخمک مناسب را خریداری کنند یا خیر؟

نسبت به خرید و فروش تخمک زن، اشکال نجاست وارد نیست، چون دلیلی بر نجاست تخمک زن وجود ندارد و ثابت نشده است که تخمک همان منی و آب زن است که نجس می‌باشد (سیستانی، ۲۰۰۴: ۳۱۴).

اما اشکال عدم وجود منفعت محلّله عقلایی هم بستگی به مبنای اخذ شده در بحث حکم تکلیفی دارد که آیا استفاده از تخمک زن بیگانه و تزریق آن به رحیم زن جایز است یا نه؟

اگر قایل به حرمت آن شدیم، اینجا برای تخمک منفعت محلّله تصور نمی‌شود چون با نهی شارع مقدس منفعت و مالیت آن الغاء شده است لذا بیع باطل می‌شود.

و اگر قایل به جواز شدیم، اینجا اگر ملاک مادری را به صاحب رحیم بودن بدانیم در این

صورت منفعت بچه‌دار شدن برای زن و شوهر حاصل می‌شود، لذا خرید تخمک جایز است ولی اگر ملاک مادری را به صاحب تخمک بودن بدانیم، اینجا خریدن تخمک برای زن فایده و منفعتی نخواهد داشت چون طفل به او انتساب نخواهد داشت و علی‌ای حال اشکال عدم ملکیت نسبت به تخمک هم وجود دارد، لذا، بهتر این است که اخذ پول در مقابل رفع ید از حق اختصاص صورت بگیرد (همان).

### اجاره رحیم

یکی از مباحث و احکام وضعی مرتبط با عملیات تلقیح مصنوعی، اجاره رحیم برای حمل جنین و سلول تلقیحی می‌باشد که زن رحیم خود را برای حمل نطفه و جنین به مرد اجاره دهد و اجرت دریافت کند.

امروزه با توجه به قانونی شدن رحیم جایگزین و اجاره‌ای در جمهوری اسلامی ایران به خصوص در دهه اخیر، قراردادهای رحیم اجاره‌ای شکل قانونی به خود گرفته و رواج پیدا کرده است که یک نمونه از این قراردادهای اجاره رحیم که در دفاتر ثبت اسناد رسمی کشور موجود است جهت اطلاع آورده می‌شود.

حال باید از لحاظ شرعی با توجه به اقسام و صور مختلف تلقیح مصنوعی و حکم شرعی تکلیفی آن که برخی از اقسام جایز و برخی حرام بود، شروط صحت اجاره را مطرح کرده و احکام آن را بررسی می‌کنیم:

#### ۱. بررسی شروط صحت اجاره در مواردی که تلقیح مصنوعی جایز است

در بحث حکم تکلیفی از میان صور و اشکال مختلف در برخی صور قایل به جواز تلقیح مصنوعی هستیم، مثل تلقیح اسپرم مرد با تخمک همسرش و انتقال به رحیم همسر دیگرش یا همسر موقت او، یا تلقیح اسپرم مرد و تخمک زن اجنبی و قرار دادن در رحیم همسر و صور دیگر.

حال در این موارد آیا اجاره‌رحیم و دریافت اجرت برای حمل جنین و نطفه صحیح است یا نه؟

وجه صحت اجاره‌رحیم این است که این عمل اجاره‌رحیم و حمل جنین در این موارد حلال و جایز است و منفعت مقصوده عقلانیه هم دارد که زن صاحب رحیم منفعت بچه‌دار شدن و پدر شدن را به مرد اجاره‌کننده اعطاء می‌نماید. در اینجا اشکالاتی نسبت به صحت اجاره شده است که باید از این اشکالات جواب داده شود.

**اشکال اول:** همان طور که در شرایط عقد اجاره در فقه بیان شده است، یکی از شرایط صحت اجاره این است که منفعت عمل مورد اجاره مشخص و محدّد باشد و جهل به خصوصیات مورد اجاره مضّر به صحت اجاره است.

مرحوم سید یزدی در مسئله (۵) عروة الوثقی می‌فرماید: «معلومية المنفعة إمّا بتقدير المدة كسكنى الدار شهراً والخياطة يوماً، أو منفعة ركوب الدابة إلى زمان كذا...؛ (یزدی، ۱۴۲۸: ۵۷۷ / ۲) معلومیت منفعت مثل مشخص کردن سکنی خانه به مدت یک ماه یا خیاطی کردن به مدت یک روز یا منفعت استفاده از حیوان تا فلان زمان و...».

لذا، اگر کسی کارگری را برای حمل کالا و متاع اجیر کند، باید خصوصیات مورد اجاره کاملاً مشخص باشد؛ حمل چه کالایی است، چه وزن و اندازه‌ای دارد، تا چه مکانی باید حمل کند و در چه زمانی، جهالت به این خصوصیات، موجب جهالت عمل مورد اجاره و بطلان اجاره خواهد شد.

در محل بحث که اجاره‌رحیم زن برای حمل نطفه و جنین باشد، از جهاتی ابهام و جهل وجود دارد که مضّر به صحت اجاره است؛ یکی، این که معلوم نیست چه مقدار اسپریم و نطفه تلقیحی وارد رحیم زن می‌شود تا عملیات منتج و موفق باشد، دوم، این که مدت حمل جنین مشخص نیست، ۶ تا ۹ ماه زمان حمل مردّد است. لذا در اجاره‌رحیم، جهالت نسبت به این خصوصیات وجود دارد که موجب بطلان اجاره می‌شود.

**پاسخ:** اصل شرطیت معلوم بودن مورد اجاره قابل قبول است ولی دلیل بر مضر بودن مطلق جهالت در مورد اجاره وجود ندارد، بلکه باید مورد اجاره از مواردی باشد که مورد اقدام عقلاء قرار بگیرد (سیستانی، همان: ۳۱۷). و از غرری بودن خارج باشد، چون عمده دلیل بر اشتراط معلومیت مورد اجاره بنای عقلا است که بر مالیت اموال خود تحفظ می‌کنند، لذا در مقام انجام معاملات جایی اقدام بر معامله می‌کند که خصوصیت مورد معامله کاملاً مشخص و مبین باشد و در مواردی که تردید و ابهام و جهالت وجود داشته باشد به جهت غرری بودن اقدام بر انجام معامله نمی‌کنند؛ دلیل صحت و امضاء معاملات که «أوفوا بالعقود» باشد معاملات عقلایی را امضا می‌کند و معاملات غرری را شامل نمی‌شود.

لذا، در محل بحث که اجاره‌رحیم برای حمل جنین است باید مورد اجاره طوری باشد که از غرری بودن خارج بوده و مورد اقدام عقلا قرار بگیرد و ابهام و تردید در محل بحث در حدی نیست که معامله را از معامله رایج بین عقلا خارج سازد و آن را جزء معاملات غرری قرار دهد.

چون مشخص نبودن تعداد نطفه‌های تلقیحی ضرری ندارد، بله اگر اسپرم تلقیح یافته مردّد بین تأثیر در جنین تک‌قلویی یا چند قلویی باشد این جهالت موجب غرری بودن اجاره‌رحیم خواهد شد.

همچنین مشخص نبودن مدت دقیق حمل جنین هم مضر نیست و می‌توان اجاره را در مدت اکثر که نه ماه است منعقد کرد که اگر زودتر هم وضع حمل صورت پذیرفت مانعی نخواهد داشت. نتیجه این که اشکال اول بر صحت اجاره وارد نبود.

**اشکال دوم:** یکی از شرایط صحت اجاره این است که عمل مورد اجاره دارای منفعتی باشد که شارع اجرت گرفتن و بذل مال در مقابل آن را الغاء نکرده باشد، یعنی از اعمالی نباشد که باید به صورت مجانی انجام شود و اجرت گرفتن در مقابل آن‌ها طبق نظر مشهور جایز نیست، مثل اتیان به واجبات، تعلیم قرآن، اذان گفتن برای نماز، غسل و تجهیز میت و...

مرحوم سید یزدی در این باره می‌فرماید:



لا يجوز الإجارة لإتيان الواجبات العينية كالصلوات الخمس، والكفائية كتغسيل الأموات وتكفينهم والصلاة عليهم، وكتعليم القدر الواجب من أصول الدين وفروعه، والقدر الواجب من تعليم القرآن كالحمد وسورة منه، وكالقضاء والفتوى ونحو ذلك؛ اجبر شدن برای انجام واجبات عينية مثل نماز یا واجبات كفائية مثل تغسيل و تجهیز اموات و تعليم مقدار واجب از قرآن و اصول دين و يا قضاوت و فتوى جايز نمی‌باشد. (يزدی، همان: ۲/ ۶۲۱).

و در محل بحث از نصوص و روایات استفاده می‌شود که امور تابع زوجیت مثل استمتاع و حمل جنین توسط زن و شیر دادن بچه و حضانت فرزند و... همه آن‌ها باید به نحو مجانی باشد و زن حق گرفتن اجرت خاص بابت این اعمال از شوهر ندارد، بلکه فقط زن بعد از علقه‌ی زوجیت استحقاق نفقه دارد. لذا حامله شدن زن هم از حقوق شوهر و رابطه زوجیت حساب می‌شود که مبنی بر مجانیت است و زن حق دریافت اجرت و اجاره‌رحیم برای حمل جنین را ندارد (سیستانی، همان).

این بحث را فقها در باب اجرت بر رضاع مطرح نموده‌اند که آیا اجرت گرفتن زن برای شیر دادن فرزند جایز است یا نه؟

مرحوم شیخ طوسی رحمته الله فرموده است:

إِنَّ الْأُمَّ إِذَا طَلَبَتِ الْأَجْرَةَ عَلَى رِضَاعِ الْوَلَدِ فَإِنَّهَا لَا تَسْتَحِقُّ أَجْرًا وَلَا يَنْعَقِدُ بَيْنَهَا وَبَيْنَ زَوْجِهَا عَقْدُ إِجَارَةٍ فِيمَا يَرْجَعُ إِلَى الْوَطْءِ وَتَوَابِعِهِ؛ شوهر مالک تمام استمتاع و منافع زن می‌باشد و یکی از منافع زن، شیر دادن بچه است. لذا مادر حق مطالبه اجرت به خاطر شیر دادن بچه را ندارد (شهید ثانی، ۱۴۱۳: ۳/ ۳۰۷؛ طوسی، ۱۳۸۷: ۶/ ۳۶).

در مقابل، مشهور قایل براین است که شوهر مالک تمام منافع زن باشد اول کلام است و آنچه که دلیل داریم فقط شوهر مالک حق استمتاع است، لذا زن می‌تواند برای رضاع و شیر دادن بچه مطالبه اجرت کند.

مرحوم سید علی طباطبایی در ریاض المسایل می‌فرماید:

هل يجوز استئجار الأم للرضاع؟ المشهور نعم للأصل والعمومات ولقوله تعالى: «فَإِنْ أَرْضَعْنَ لَكُمْ فَآتُوهُنَّ أَجُورَهُنَّ»؛ آیا اجیر شدن مادر برای شیر جايز است؟ مشهور به

عمومات و آیه شریفه قابل به همان هستند (طباطبایی، ۱۴۱۸: ۱۲/۱۴۷).

مرحوم صاحب جواهر رحمته الله نیز در این باره می‌گوید:

كان الوجه الجواز وفاقاً للمشهور شهرة عظيمة، بل لم نعرف فيه خلافاً بيننا إلا ما سمعته من الشيخ للعمومات والاطلاقات؛ احتمال جواز اقوى است و موافق با شهرت بین فقها است و مخالفی غیر از شیخ طوسی با این قول پیدا نکردم (نجفی، بی‌تا: ۳۱/۲۷۵).

و دلیلی هم بر وجوب رضاع بر مادر نداریم و آیه شریفه؛ «وَالْوَالِدَاتُ يُرْضِعْنَ أَوْلَادَهُنَّ حَوْلَيْنِ كَامِلَيْنِ» (بقره: ۲۳۳)؛ مادران فرزندان خود را تا دو سال کامل شیر دهند. «هم فقط در مقام بیان است که رضاع مورد نظر و احکام آن تا دو سال است و دوره شیردهی بچه دو سال می‌باشد و از روایات (حر عاملی، ۱۴۰۹: ۱۵/۱۷۸) هم استفاده می‌شود که اجباری بر مادر نیست که فرزند را شیر بدهد، بلکه آنچه مناسب برای بچه است شیر مادر می‌باشد و مادر هم از همه سزاوارتر برای شیر دادن به بچه است ولی بر او واجب نیست. و ثانیاً مجرد وجوب عمل موجب بطلان اجاره و حرمت اخذ اجرت نمی‌شود بلکه شاید از قبیل واجبات کفائیه باشد که اخذ اجرت بر آن‌ها جایز است. لذا به خاطر وجود اطلاقات اجاره و مقتضای تطبیق قواعد این است که چون رضاع منفعت مقصوده و مالیت دارد و دلیل بر الغاء مالیت آن از طرف شارع نداریم لذا اجاره بر رضاع صحیح است.

مرحوم شیخ حر عاملی رحمته الله هم بابی در وسایل الشیعة به عنوان:

باب أنه لا يجب على الحرة ارضاع ولدها بغير أجره بل لها أخذ الأجرة (همان)؛ باب این که واجب نمی‌باشد بر مادران شیر دادن بچه‌ها بدون اجرت بلکه آن‌ها می‌توانند در قبال شیر دادن اجرت دریافت کنند، قرار داده است.

حال نسبت به حمل جنین چگونه است؟ آیا اجاره رحیم برای حمل جنین و دریافت اجرت در مقابل آن جایز است یا نه؟

اگر بخواهیم از راه ملکیت تمام منافع زن برای شوهر مسئله را حل کنیم و بگوییم بارداری و حمل جنین یکی از منافع زن است که ملک شوهر است، لذا حق دریافت اجرت

در مقابل آن را ندارد، همان اشکال مشهور به اجرت بر رضاع در اینجا هم می‌آید که دلیلی بر ملکیت تمام منافع زن برای شوهر نداریم بلکه ادله فقط برای شوهر حق استمتاع از زن را قرار داده‌اند.

تقریب دیگری که می‌توان برای عدم صحت اجاره‌رحیم برای حمل جنین ارایه نمود این است:

فهم عرفی از آیه مبارکه «نِسَاؤُكُمْ حَرْثٌ لَّكُمْ» (بقره: ۲۲۳)؛ زنان شما کشتزارهای شمايند» این است که زن منبت و جایگاه برای فرزند است و این حیثیت در زن لحاظ شده‌است، لذا یکی از حقوق شوهر همین حق استیلا از زن است، لذا حق استیلا و فرزندآوری مثل حق استمتاع از حقوق واجب شوهر است که اجرت گرفتن بر آن جایز نیست (سیستانی، ۲۰۰۴: ۳۱۹).

پس حق استیلا یکی از حقوق زوج و از اغراض مهم در ازدواج می‌باشد، لذا، زن حق منع از انعقاد حمل و بچه نیاوردن را ندارد و به عنوان شرط ارتكازی عقد ازدواج این هست که زن برای شوهر بچه بیاورد.

و این حق استیلا و فرزندآوری به نحو مجانیت است و اجرتی برای زن به غیر نفقه لازم نیست.

منتها اشکالی که وجود دارد این است که حق استیلا به نحو متعارف و عادی که همان مقاربت و استمتاع است از حقوق شوهر است ولی در تلقیح مصنوعی، استیلا و حمل جنین به نحو غیر متعارف است. لذا شوهر نمی‌تواند با استفاده از حق استیلا خود همسرش را مجبور به عملیات تلقیح مصنوعی کند، در نتیجه، پس زن حق دارد برای حمل جنین از طریق تلقیح مصنوعی اجرت دریافت کند.

مضافاً بر این که حتی اگر قبول کنیم که شوهر حق استیلا از زن چه به نحو متعارف و چه غیر متعارف دارد ولی در صورتی این حق ثابت است که اسپرم مرد با تخمک خود همسرش تلقیح مصنوعی شود و به رحیم زن منتقل گردد، ولی اگر اسپرم مرد با تخمک زن

بیگانه تلقیح شود در این صورت قبول نداریم که مرد حق بچه‌دار شدن و استیلا از این زن در این صورت داشته باشد و حق استیلا در این صورت را شامل نمی‌شود.

لذا، حق استیلا در مرد شامل تمام صور تلقیح مصنوعی نخواهد شد، در نتیجه اجاره و اجرت گرفتن زن حامل جنین صحیح خواهد بود (شوپایی جویباری، تقریرات مسائل مستحدثه، جلسه ۶۴ (۱۳۹۲/۱۲/۵)).

**اشکال سوم:** از شرایط صحت اجاره این است که عمل مورد اجاره باید منفعت عقلایی داشته باشد که به شخص اجاره کننده برگردد و منفعت عقلایی متصور در تلقیح مصنوعی، بچه‌دار شدن شخص و حصول رابطه پدری و مادری با طفل متولد شده است.

مرحوم میرزا حبیب الله رشتی رحمته الله در کتاب اجاره می‌گوید: «من شرائط الاجارة هو كون العمل ذا منفعة عائدة إلى المستأجر؛ از شرائط صحت اجاره این است که عمل منفعتی داشته باشد که به اجیر کننده برگردد.» (رشتی، بی‌تا: ۲۷۵).

لذا در مواردی که در عملیات تلقیح انتساب به پدر و مادر محقق باشد منفعت عقلایی حاصل است و اجاره صحیح خواهد بود ولی در بعضی از موارد و طبق برخی از مبانی که در تلقیح انتساب به پدر یا مادر حاصل نیست صحت اجاره دچار اشکال می‌شود (سیستانی، همان: ۳۲۰).

لذا جهت تحقیق در بحث باید از تمامیت کبری و صغری اشکال بحث کنیم، اولاً؛ کبری کلی را باید قبول کنیم که از شرایط صحت اجاره وجود منفعت عقلایی مقصوده است. ثانیاً؛ صغرای این قاعده در محل بحث تمام نیست چون در برخی موارد تلقیح مصنوعی، منفعت مقصوده عقلایی وجود ندارد.

بحث کبروی که باید مورد اجاره منفعت مقصوده عقلایی داشته باشد را مرحوم سید یزدی در مسئله ۲۰ عروة الوثقی مطرح نموده است، ایشان این طور آورده است:

كل ما يمكن الانتفاع به منفعة محللة مقصودة للعقلاء مع بقاء عينه يجوز إجارته، وكذا كل عمل محلل مقصود للعقلاء...؛ هر چیزی که منفعت محلله مقصوده عقلایی داشته باشد به صورتی که با استفاده از منفعت، عین از بین نرود و هر عملی که منفعت محلله

داشته باشد اجاره بر آن صحیح است (یزدی، همان: ۶۲۴/۲).

مورد معاوضه در عقد اجاره باید دارای منفعت مقصوده عقلایی باشد.

دلیل بر این شرطیت اموری زیرمی‌باشد:

**دلیل اول:** مرحوم آقای حکیم رحمته الله فرموده است: اگر عمل دارای منفعت عقلایی نباشد مالیت ندارد، در نتیجه بذل مال در مقابل چنین عملی مصداق اکل مال به باطل خواهد شد و آیه «وَلَا تَأْكُلُوا أَمْوَالَكُم بَيْنَكُم بِالْبَاطِلِ» (بقره: ۱۸۸؛ نساء: ۲۹)؛ اموال یکدیگر را بین خود به صورت نامشروع نخورید، شامل آن می‌شود» (حکیم، ۱۴۱۶: ۱۴۳/۱۲).

مرحوم آقای خویی رحمته الله به این دلیل اشکال نموده است: (خویی، بی‌تا: ۳۹۴). که آیه مبارکه ناظر به اسباب مجوز اکل مال است که اگر گرفتن مال مردم به وسیله صحیح مثل تجارت از روی رضایت و معاوضه باشد، تصرف در مال صحیح است و اگر از اسباب باطل مثل غارت و قمار و ربا و... باشد، گرفتن مال صحیح نیست. اما این که معامله صحیح شرایطش چیست و مالیت در عوضین شرط است یا نه؟ آیه در مقام بیان این جهت نیست و اصلاً ناظر به شرایط صحت معامله نیست. لذا اگر ادله عام «أوفوا بالعقود» شامل موردی شد که منفعت و غرض خاص در آن وجود دارد، آیه نمی‌تواند صحت اجاره در این مورد را نفی کند.

**دلیل دوم:** عنوان معامله و معاوضه در صورتی صادق است که عوضین دارای مالیت باشند. چون معنای لغوی و عرفی معاوضه مبادله مال به مال است و وقتی منفعت مقصوده عقلایی وجود نداشته باشد مالیت منتفی است و در مفهوم اجاره که تملیک منفعت است مالیت اخذ شده است اگر منفعتی مصداق مالیت نباشد تملیک آن عرفاً اجاره نیست.

مرحوم آقای خویی رحمته الله در کتاب اجاره اشکال کرده‌اند: (خویی، همان: ۳۹۳). که ما دلیلی نداریم که در باب معاوضات، مالیت در عوضین معتبر است و تعریف مبادله مال به مال هم تعریف لغوی و شرح اسمی و تقریب به معنا است و جامع افراد و مانع اغیار نمی‌باشد. لذا اگر کسی منفعت و غرض شخصی نسبت به شیئی داشته باشد و به آن رغبت پیدا کند معامله او صحیح خواهد بود.

نسبت به اشکال مرحوم آقای خویی رحمته الله می‌توان چنین پاسخ داد: ظهور عرف تعریف مبادله مال به مال در تحدید است، لذا این تعریف مکرر مورد استشهاد خود ایشان و دیگر فقها در بحث معاملات و بیع قرار گرفته است و در موارد عدم مالیت، اگر نگوییم معامله و معاوضه صحت سلب دارد، ولی احراز عنوان معامله و معاوضه نمی‌توان کرد، لذا تمسک نمودن به اطلاعات و عمومات معاملات و معاوضات از قبیل تمسک به عام در شبهه مصداقیه خود دلیل می‌شود (شوپایی جویباری، حسین، تقریرات مسائل مستحدثه مخطوط، جلسه ۱۳۹۲/۱۲/۱۱۶۷).

**دلیل سوم:** اگر منفعت مقصوده عقلایی وجود نداشته باشد، اقدام بر این معامله سفهی خواهد بود و معامله سفهی باطل است.

مرحوم بجنوردی رحمته الله در قواعد الفقهیه اولین شرط از شرایط صحت اجاره را این مطلب قرار داده است: «أن يكون في العمل منفعة محللة مقصودة للعقلاء وإلا يكون سفهياً؛ این که عمل منفعت محلله مقصوده عقلایی داشته باشد و الا اجاره سفهی خواهد بود.» (بجنوردی، ۱۴۱۹: ۱۵۸/۲).

مرحوم آیت الله سبزواری رحمته الله هم در مذهب الأحكام می‌گوید: «إذ مع عدم تحقق منفعة العقلانية تصير المعاملة سفهية فتبطل حينئذ لفرض ندره الغرض وعدم اقدام النوع عليه؛ با عدم تحقق منفعت عقلانی، معامله سفهی است لذا به دلیل نداشتن غرض و عدم اقدام عقلاء بر چنین معامله‌ای، معامله باطل است.» (سبزواری، ۱۴۱۳: ۱۷۸/۱۹).

بر استدلال به این دلیل مرحوم آقای خویی رحمته الله اشکال شده است:

اولاً؛ مجرد این که غرض نوعی عقلایی به معامله تعلق نگیرد، موجب سفهی بودن معامله نمی‌شود و اگر شخص به خاطر وجود غرض و رغبت شخصی اقدام بر معامله‌ای کند، این معامله سفهی نخواهد بود، بلکه به ملاحظه وجود غرض و رغبت شخصی از سفهی بودن خارج می‌شود (خویی، همان: ۳۹۴).

ثانیاً؛ اصلاً دلیل بر بطلان معاملات سفهی نداریم بلکه آن چه دلیل داریم بطلان

معاملات سفیه است (همان: ۳۹۵). لذا، معامله شخص عاقل به خاطر وجود غرض شخصی گرچه غرض نوعی عقلایی وجود نداشته باشد باطل نیست و بر شخصی که چند بار چنین معامله‌ای با وجود غرض شخصی و فقدان غرض نوعی عقلایی انجام دهد اسم سفیه صادق نیست، بلکه معامله به خاطر وجود عمومات ضمن معامله و دلیل (الناس مسلطون علی أموالهم) صحیح است و ادله صحت معاملات گرچه ناظر به مواردی است که عقلاً اقدام بر معامله می‌کنند ولی اگر شخص به خاطر وجود غرض شخصی، گرچه غرض نوعی و منفعت عقلایی وجود ندارد، اقدام بر معامله کرد، همین که معامله مورد اقدام واقع شود ولو به لحاظ غرض شخصی، ادله امضا و صحت معاملات شامل آن خواهد شد.

نتیجه بحث، کبرویاً به خاطر دلیل دوم، ما قبول کردیم که باید منفعت مقصوده عقلایی وجود داشته باشد و الا مالیت منتفی است و با فقدان مالیت، مورد از موارد معامله عقلایی خارج می‌شود و اگر شک در صدق مالیت هم بکنیم به ادله صحت معاملات نمی‌توان تمسک کرد و مقتضای قاعده اصالة الفساد در معاملات است.

اما بحث صغروی در بحث اجاره‌رحیم که آیا منفعت مقصوده عقلایی وجود دارد یا نه؟ تقریب اشکال این بود که در برخی موارد در تلقیح مصنوعی چون انتساب به پدر و مادر منتفی است، لذا منفعت عقلایی برای اجاره‌رحیم وجود ندارد که به شخص اجاره‌کننده برگردد، مثل اجاره‌کردن توسط زن صاحب تخمک، در حالی با اجاره‌رحیم دیگری او صاحب فرزند نمی‌شود بلکه صاحب رحیم مادر طفل به حساب می‌آید.

در نظیر این مورد چون انتساب و پدر و مادر گشتن برای طفل متولد شده منتفی است، اجاره باطل خواهد بود چون منفعت مقصوده عقلایی وجود ندارد. از این اشکال صغروی جواب‌هایی داده شده است:

۱. در مواردی که نسب شرعی منتفی است، مثلاً عنوان مادری برای زن صاحب تخمک ثابت نمی‌شود ولی باز هم اجاره توسط زن صاحب تخمک با این که عنوان مادری با تولد جنین از رحیم اجاره‌ای پدید نمی‌آید صحیح است چون همین که شوهرش صاحب فرزند

شود و پدر گردد منفعت عقلایی دارد که به زن اجاره کننده برمی گردد و آن منفعت این است که شوهرش در معرض ازدواج مجدد به خاطر فرزند نداشتن قرار نمی گیرد (سیستانی، همان: ۳۲۲). بلکه می توان گفت اصلاً لازم نیست منفعت در اجاره به شخص خودش برگردد بلکه همین که به شوهرش برگردد منفعتی عاید کسی که ارتباط نزدیک به او دارد شود برای صحت اجاره کافر و منفعت به خود او برگشته است.

۲. گرچه انتساب شرعی منتفی است مثلاً زن صاحب تخمک از طریق اجاره رحیم زن دیگری صاحب فرزند شرعی نمی شود چون طبق نظر تحقیق ملاک مادری به صاحب رحیم بودن است ولی انتساب عرفی که محقق است و نسب عرفی وجود دارد و همین وجود نسب عرفی منفعت عقلایی است که برای صحت اجاره کافی است (همان). همین که در عرف و مردم این فرزند متولد شده را فرزند او حساب می کنند گرچه آثار و احکام شرعیه فرزند مترتب نشود.

ولی می توان اشکال کرد که منفعت عقلایی اجاره رحیم، فرزنددار شدن و صدق عنوان پدری و مادری است و وقتی شارع مقدس این منفعت را ملغی نموده است و نسب شرعی و پدر و مادر شدن و ترتیب احکام فرزند را نفی نموده است، لذا نسب عرفی نمی تواند منفعت عقلایی محلله باشد بلکه این نظیر موارد الغاء مالیت یک شیء توسط شارع است، مثل الغاء مالیت خمر و خنزیر با این که عرفاً مالیت دارند (شوپایی جویباری، تقریرات مسائل مستحدثه مخطوط، جلسه ۶۹ ۹۲/۱۲/۱۳).

**اشکال چهارم:** از شرایط صحت عقد اجاره این است که انجام دادن عمل مورد اجاره صدورش از اجیر ممکن باشد و مزاحم با انجام تکلیف الزامی که متوجه به اوست نداشته باشد و الا اگر انجام دادن عمل مورد اجاره منافات با تکلیف واجب بر او یا منافات با حق دیگری داشته باشد اجاره صحیح نیست.

لذا فقها تصریح کرده اند که از شرایط انجام حج نیابتی و اجاره ای توسط نایب این است که خودش مستطیع نباشد و حج بر او واجب نباشد و الا اگر به گردن شخص حج واجب



باشد نمی‌تواند از طرف دیگر اجیر انجام حج شود.

مرحوم سید یزدی رحمته الله می‌فرماید:

عدم اشتغال ذمه به حج واجب علیه فی ذلك العام، فلا تصح نیابة من وجب علیه حجة الإسلام، أو النذر المضيق مع تمكنه من إتيانه، وأما مع عدم تمكنه لعدم المال فلا بأس، فلو حج عن غيره مع تمكنه من الحج لنفسه بطل على المشهور، لكن الأقوى أن هذا الشرط إنما هو لصحة الاستتابة والإجارة؛ از شرایط حج اجاره‌ای این است که ذمه او اشتغال به حج واجب در آن سال نداشته باشد. در نتیجه صحیح نمی‌باشد نیابت کردن کسی که بر ذمه او حجة الاسلام یا حج نذری می‌باشد. لذا اگر در این صورت حج اجاره‌ای برود، مشهور می‌گویند حج او باطل است ولی اقوی این است که اجاره او شرایط صحت را ندارد لذا اجاره باطل است ولی حج صحیح نیست (یزدی، همان: ۵۰۴/۲).

همچنین در باب رضاع فرمودند: (نجفی، همان: ۲۷/۲۹۷؛ اردبیلی، ۱۴۰۳: ۲۱/۱۰؛ شهید ثانی، ۱۴۱۳: ۵/۲۰۸/۲ یزدی، همان: ۱۰۵/۵). اگر شیر دادن به بچه دیگری منافات با حق شوهر داشته باشد، اجاره بر رضاع باطل است.

و در محل بحث هم اگر زن بخواهد اجیر برای حمل جنین و نطفه منعقد شده دیگری شود اگر قایل به جواز این عمل شویم، این اجاره منافات با حق استمتاع شوهر او دارد لذا اجاره از این جهت که منافات با تکلیف و حق واجب بر گردن او دارد باطل است (سیستانی، همان: ۳۲۳).

پس در محل بحث زن صاحب رحیم نمی‌تواند منفعت خود را تملیک به دیگری نماید چون تملیک منفعت منافات با حق استمتاع شوهر خود دارد، مضافاً به این که در محل بحث اگر قایل شویم که باید از شوهر عده نگه دارد در تمام زمانها باید از شوهر خود اجتناب داشته باشد که قطعاً منافات با حق استمتاع شوهر دارد و اگر هم عده و وجوب اجتناب لازم نباشد باز هم شرایط زن در زمان وضع حمل طوری است که موجب محدودیت شوهر در استمتاع خواهد شد.

نتیجه این که اشکال چهارم وارد است البته اختصاص به اجاره‌رحیم در زن‌های

شوهردار دارد به طوری که زن از اسپرم غیر شوهرش باردار شده باشد و حمل و جنین متعلق به دیگری را حمل نماید.

**اشکال پنجم:** یکی از شرایط صحت اجاره این است که عمل مورد اجاره مقدمه حرام نداشته باشد و مستلزم انجام دادن فعل حرام نباشد تا تحویل دادن و اتیان به آن عمل شرعاً امکان داشته باشد، لذا اگر عمل مورد اجاره ذاتاً عمل مباح باشد ولی تحققش در خارج متوقف بر مقدمات حرام باشد اجاره بر چنین عملی صحیح نیست.

مثل اجاره شخص جنب و حیض برای کنس و تمیز کردن مسجد، با این که عمل مورد اجاره که تمیز کردن مسجد باشد عمل مباحی است ولی چون مستلزم دخول جنب و حیض به مسجد است چنین اجاره‌ای باطل است چون شرعاً امکان تحویل و تسلیم این عمل وجود ندارد.

مرحوم سید یزدی رحمته الله در عروة الوثقی در این باره می‌گوید:

السابع أن يتمكن المستأجر من الانتفاع بالعين المستأجرة فلا تصح اجارة الحائض لكنس المسجد؛ شرط از شرایط صحت اجاره این است که شخص اجیر تمکن از انتفاع به مورد اجاره را داشته باشد لذا اجیر کردن شخص حیض برای تمیز کردن مسجد جایز نیست (یزدی، همان: ۵۷۶/۲).

در محل بحث گرچه صوری است که تلقیح مصنوعی به خودی خود جایز است ولی چون تحقق عملیات تلقیح مصنوعی متوقف بر مقدمات حرامی مثل نظر و لمس حرام و کشف عورت می‌باشد، لذا امکان تحویل و اتیان به عمل مورد اجاره شرعاً امکان ندارد (سیستانی، همان: ۳۲۶).

مگر مواردی که مستلزم مقدمات حرام نباشد مثل این که متصدی عملیات تلقیح مصنوعی خود شوهر باشد یا عناوین ثانویه مثل حرج و اضطراب و حاجت محقق شود که موجب انتفای حرمت مقدمات شود.

## ۲. بررسی شروط صحت اجاره در مواردی که حکم شرعی تلقیح حرمت است

در این مقام، حکم اجاره‌رحیم برای حمل جنین در مواردی که تلقیح مصنوعی به خودی خود حرام بود، مثل تلقیح اسپرم مرد با تخمک زن و قرار دادن در رحم زن بیگانه و... را بررسی می‌کنیم.

فقها در کتاب اجاره فرموده‌اند: از شرایط صحت اجاره این است که عمل مورد اجاره منفعت حلال داشته باشد و اگر عمل مورد اجاره حرام باشد؛ مثل اجیر کردن شخص برای درست کردن شراب، اجاره صحیح نخواهد بود.

پس کبرای مسئله این است که اجاره بر منفعت حرام، باطل است.

مرحوم محقق<sup>۱</sup> در شرایط یکی از شرایط صحت اجاره را این‌طور می‌فرماید: «أن تكون المنفعة مباحة؛ این که منفعت مورد اجاره، مباح باشد.» (محقق حلی، ۱۴۰۸: ۱۴۷/۲).

مرحوم مقدس اردبیلی<sup>۲</sup> نیز می‌گوید: «الشرط الخامس من شروط صحة الإجارة كون المنفعة مباحة فلو كانت محرمة فالظاهر أن إجارة عينها لاستيفاء تلك المنفعة حرام والعقد أيضاً باطل؛ شرط پنجم از شرائط صحت اجاره این است که منفعت مورد اجاره مباح باشد پس اگر منفعت حرام باشد اجاره عین برای رسیدن به منفعت حرام، حرام بوده و عقد اجاره هم باطل است.» (اردبیلی، همان: ۵۵/۱۰).

این مطلب که منفعت در اجاره باید مباح باشد و اگر حرام باشد اجاره باطل است به وجوهی تمسک شده است:

(۱) مرحوم نائینی<sup>۳</sup> در تعلیقه عروة فرموده است: «لما كانت حرمة المنفعة مخرجة لها عن المملوكية فاشتراط مملوكيتها يغني عن هذا الشرط؛ چون که حرام بودن منفعت شیء را از مالیت داشتن و به تبع آن مالکیت بر آن خارج می‌کند، لذا اشتراط مالک بودن نسبت به منفعت ما را بی‌نیاز از این شرط خواهد کرد.» (یزدی، ۱۴۱۰: ۱۱/۵).

اجاره تملیک منفعت در مقابل عوض است و مالک بودن منفعت مقوم عقد اجاره و از شرایط صحت آن است و در جایی که خود شخص مالک منفعت نباشد تملیک آن معقول

نیست و در مواردی که منفعت حرام باشد مالک بودن نسبت به آن معنا ندارد در نتیجه تملیک منفعت حرام بی معنا است لذا اجاره باطل است.

بر این وجه اشکال شده که این دلیل اخص از مدعا است، چون در باب اجاره بر اعمال این وجه قابل تطبیق است که شخص عمل حرام را مالک نمی شود و نسبت به عمل حرام الغاء ملکیت شده است ولی نسبت به اعیان خارجی قابلیت تطبیق ندارد چون عین خارجی قابلیت برای انتفاع دارد مثل خانه، مغازه و... و آنچه را که در اجاره اعیان خارجی تملیک به دیگری می کنند قابلیت برای انتفاع است که حرام نیست، آنچه حرام است این است که شخص در این خانه شراب درست کند و این حرمت عمل شخص، موجب خروج عین خارجی از ملکیت نخواهد شد چون شخص قابلیت انتفاع این عین خارجی را مالک بوده و به دیگری اجاره داده است نه عمل حرام صادر از او را.

لذا این وجه فقط در اجاره بر اعمال پیاده می شود نه اعیان خارجی (خویی، همان: ۴۵).  
(۲) در جایی که منفعت در اجاره حرام باشد، حرمت منفعت موجب الغای مالیت از آن منفعت می شود یعنی شارع مقدس منفعت این عمل را الغاء نموده است و از شرایط صحت اجاره، مالیت داشتن منفعت است به طوری که عقلاً بر انجام این معامله اقدام نمایند. مرحوم بجنوردی می فرماید: «إذا كانت المنفعة محرمة فليس لها مالية كي تقابل بالعوض المالي؛ اگر منفعت مورد اجاره حرام باشد، مالیت ندارد تا در مقابل آن عوض مالی قرار بگیرد.» (بجنوردی، همان: ۳۷۱/۱).

از شرایط صحت عقد اجاره این است که موجر در اجاره بر اعیان خارجی و اجیر در اجاره افعال و اعمال قدرت بر تصرف داشته باشد (یزدی، ۱۴۱۰: ۵/۱۱). و اگر قدرت بر تصرف نداشته باشد اجاره باطل است و با وجود حرمت شرعی منفعت، شخص قدرت بر تصرف ندارد تا بتواند آن را به دیگری انتقال دهد.

به این وجه اشکال شده که تحریم فعل و عمل موجب الغای مالیت شی می شود لذا شخص نمی تواند این عمل را به دیگری انتقال و تحویل دهد، لذا بازگشت این وجه به همان

الغای مالیت خواهد بود.

۳) اگر منفعت عمل حرام باشد شخص شرعاً نمی‌تواند این عمل را به دیگری تحویل دهد، در حالی که یکی از شرایط صحت عقد اجاره این است که شخص قدرت بر تسلیم و تحویل این عمل را به دیگری داشته باشد.

مرحوم سید یزدی رحمته الله در عروة الوثقی در شرایط صحت اجاره می‌گوید: «الثانی أن یکون مقدوری التسلیم (همان)؛ دومین شرط این است که شخص قدرت تسلیم مورد اجاره را داشته باشد.»

لذا به مقتضای عقد اجاره شخص اجیر باید در مقابل دریافت وجه منفعت این عمل را به موجر تحویل و تسلیم کند و وقتی منفعت عمل حرام شد، تسلیم و تحویل آن به دیگری شرعاً حرام است چون (الممتنع شرعاً کالممتنع عقلاً)؛ آنچه که شرعاً ممتنع باشد مانند آن چیزی است که عقلاً ممتنع باشد و قابلیت تحویل و تسلیم شرعاً وجود ندارد، لذا ادله صحت عقود «أوفوا بالعقود» این مورد را شامل نخواهد شد چون با حرمت شرعی امکان تحویل و تسلیم عمل به دیگری وجود ندارد لذا وفای به عقد امکان ندارد.

۵) روایات و نصوص خاصه که در مورد بطلان معامله و اجاره در موارد وجود منفعت حرام وارد شده‌است که به برخی از آن‌ها اشاره می‌شود:

\* «قَالَ سَأَلْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ عَنِ الرَّجُلِ يُوَاجِرُ بَيْتَهُ بِنَاغٍ فِيهَا الْخَمْرُ قَالَ حَرَامٌ أُجْرَتُهُ» (کلینی، ۱۴۰۷: ۱۰/۲۶۱)؛ از امام صادق علیه السلام درباره مردی که خانه‌هایش را برای

شراب فروشی اجاره می‌دهد سؤال شد، امام علیه السلام فرمود: اجرت گرفتن برای آن حرام است

به این معنا که شخص خانه‌اش را اجاره می‌دهد برای فروش خمر که مصداق اجاره شیء برای منفعت حرام می‌شود که امام علیه السلام فرمودند: اجرت گرفتن بر این اجاره حرام است که کاشف از بطلان اجاره می‌باشد.

ولی اگر (فیباع فیہ الخمر) باشد همان‌طور که در نسخه تهذیب و وافی آمده (طوسی، ۱۳۶۵:

۳۷۲/۶، فیض کاشانی، ۱۴۰۶: ۱۷/۱۷۹). که شخص خانه‌اش را اجاره می‌دهد ولی مستأجر

خودش دنبال فروختن خمر رفته است دیگر به درد استدلال نمی خورد. ولی چون در اکثر نسخ اصل کافی (فیباع) نیامده لذا ظهور در همان معنای اول دارد.

\* صحیحہ ابی بصیر:

قَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ ﷺ أَجْرُ الْمُغَنِّيَةِ الَّتِي تَزُفُّ الْعَرَائِسَ لَيْسَ بِهِ بَأْسٌ وَ لَيْسَتْ بِالَّتِي يَدْخُلُ عَلَيْهَا الرَّجَالُ (حر عاملی، ۱۴۰۹: ۱۷ / ۱۲۱)؛ امام صادق ﷺ فرمود: اجرت گرفتن زن آوازه خوان که در مجالس عروسی می خواند به شرطی که مردان در آن حضور نداشته باشند اشکالی ندارد.

اجرت گرفتن زن آوازه خوان که در مجلس حلال باشد که اختلاط با مردان نباشد جایز است و مفهوم آن این است که اگر در مجلسی باشد که حرام باشد اجرت گرفتن حرام و اجاره باطل است.

\* موثقہ سکونی:

عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ﷺ: السُّحْتُ ثَمَنُ الْمَيْتَةِ وَ ثَمَنُ الْكَلْبِ وَ ثَمَنُ الْخَمْرِ وَ مَهْرُ الْبَغِيِّ وَ الرِّشْوَةُ فِي الْحُكْمِ وَ أَجْرُ الْكَاهِنِ؛ پول دادن در مقابل میته و سگ و شراب و اجرت زنا و رشوه گرفتن برای حکم باطل و کهنات و پیش گوئی، حرام و باطل است.

مفاد روایت این است که اجرت گرفتن برای عمل حرام سحت و باطل است (همان: ۹۴/۱۷).

\* «قَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ ﷺ: السُّحْتُ أَنْوَاعٌ كَثِيرَةٌ... وَ مِنْهَا ... أَجُورُ الْفَوَاحِرِ وَ ثَمَنُ الْخَمْرِ...» سحت و باطل انواع مختلفی دارد مثل اجرت بر گناه و زنا و پول دادن در مقابل شراب. (همان: ۹۵ / ۱۷). از روایت قاعده کلیه می توان استفاده نمود که اجرت گرفتن بر فعل حرام و معصیت باطل است.

\* روایت نبوی: «قَالَ النَّبِيُّ ﷺ: إِنَّ اللَّهَ إِذَا حَرَّمَ شَيْئًا حَرَّمَ ثَمَنَهُ؛ اگر خداوند شیئی را حرام کند پول گرفتن در مقابل آن را نیز حرام می کند.» (احسائی، ۱۴۰۵: ۲ / ۱۱۰).

روایت نبوی ﷺ معروف است که اگر خداوند شیئی را حرام کند پول گرفتن و اخذ اجرت در مقابل آن حرام و باطل است؛ که در مکاسب محرمه در فروع مختلف به این روایت نبوی تمسک شده است.

لذا کبرای محل بحث تمام است که اگر منفعت عملی حرام باشد اجرت گرفتن در مقابل آن و اجاره باطل است.

لذا مرحوم صاحب جواهر می‌فرماید:

لا خلاف أجدّها فيها بل عن مجمع البرهان نسبتہ إلى ظاهر الأصحاب بل عن المنتهى دعوى الاجماع عليه كما عن الخلاف والغنية الاجماع على عدم صحة إجارة المسكن ليحرز فيه الخمر (نجفی، همان: ۳۰ / ۲۲)؛ در این مسئله اختلافی پیدا نکردم بلکه مجمع البرهان این حکم را به ظاهر اصحاب اسناد داده و منتهی بر این حکم ادعای اجماع نموده است همان‌طور که در خلاف و غنیه اجماع بر عدم صحت اجاره خانه برای نگهداری خمر آمده است.

همچنین محقق عاملی<sup>۱۱</sup> در مفتاح الکرامه علاوه بر اجماع حکم به بطلان اجاره را به بدهات عقل اسناد داده است، ایشان فرموده: «مضافاً إلى إجماع المنتهى والخلاف والغنية بل بدیهة العقل تحکم بقبحه وتحريمه؛ علاوه بر اجماع کتاب منتهی و خلاف و غنیه، بدهات عقلی حکم به قبح و حرمت این عمل می‌کند.» (عاملی، ۱۴۱۹: ۴/ ۳۷).

اما صغرای مسئله که اجاره‌رحیم برای حمل جنین از راه تلقیح مصنوعی از مصادیق اجاره بر عمل و منفعت حرام است که واضح است چون محل بحث در فرض دوم از فروض و صورتی است که در بررسی حکم تکلیفی تلقیح مصنوعی قایل به حرمت آن‌ها شدیم. نتیجه بحث این که در مواردی که تلقیح مصنوعی حرام است اجاره‌رحیم برای حمل جنین ایجاد شده از راه تلقیح حرام و باطل است.

در پایان بحث معاملات مرتبط با تلقیح مصنوعی تذکر دو نکته لازم است:

**نکته اول:** اگر در معاملات مرتبط با تلقیح مصنوعی مثلاً خرید و فروش اسپریم و تخمک و اجاره‌رحیم قایل به صحت شدیم که طرفین معامله استحقاق اجرة المسمى (همان عوض مذکور در معامله) را خواهند داشت، ولی اگر قایل به بطلان شدیم همان‌طور که در برخی صور بیان شد، آیا با باطل بودن معامله و اجاره، اجرة المثل (عوض حقیقی این عمل یا کالا در بازار) ثابت می‌شود یا نه؟ آیا در این موارد حق گرفتن مال به عنوان عوض دارد یا نه؟

در خرید و فروش تخمک و اسپرم اگر قایل به بطلان بیع شدیم چون شخص مالک اسپرم و تخمک نیست تا بتواند آن ها را بفروشد یا به خاطر وجوه دیگر اخذ عوض و پول به عنوان بیع صحیح نیست ولی چون حق انتفاع و اختصاص نسبت به آن ها دارد می توان در ازای رفع ید از حق اختصاص خود، پول دریافت کند که حقیقتش بر هبه مشروطه برمی گردد.

و اگر معامله به عنوان اجاره باشد باید تفصیل داد اگر اجاره باطل باشد چون عمل و منفعت مورد نظر حرام است و منفعت محلله وجود ندارد اینجا حق گرفتن اجرة المثل و پول در مقابل اجاره باطله را ندارد.

در اینجا چون با وجود حرمت شرعی از عمل الغای مالیت می شود و عمل دیگر احترامی ندارد اصلاً استحقاق اجرت ندارد؛ مثل اجرت گرفتن بر حلق اللحية که باطل است.

ولی اگر بطلان اجاره به خاطر حرمت عمل نبود بلکه به خاطر فقدان یکی از شرایط صحت اجاره بود مثل اجاره در صورتی که تلقیح به خودی خود جایز بود، در این موارد اگر اجاره باطل شد، چون عمل مالیت دارد و با اذن و امر مؤجر بوده است، شخص اجیر استحقاق اجرة المثل و قیمت واقعیه عمل را پیدا می کند (سیستانی، ۲۰۰۴: ۳۲۹).

مگر در جایی که زن اجیر شود که نطفه شوهر در رحم او ریخته شود در اینجا اگر قایل شویم که شوهر حق استیلا و فرزندآوری مطلق نسبت به زن دارد چه به طریق متعارف که مقاربت باشد و چه به طریق غیر متعارف که تلقیح مصنوعی باشد، اینجا چون مرد حق اختصاص و انتفاع مجانی نسبت به زنش دارد دیگر زن حق دریافت اجرت و اجرة المثل نخواهد داشت. چون بیان کردیم که زن فقط حق گرفتن نفقه از شوهر خود دارد و برای استمتاع و فرزندآوری نباید اجرت زاید بگیرد.

**نکته دوم:** اگر مؤسساتی تشکیل بشود برای واسطه گری و مشاوره در اجاره رحیم و خرید و فروش اسپرم و تخمک مثل بانک اسپرم و تخمک، در بحث گذشته در مواردی که قایل به حرمت شدیم و ساطت و وکالت برای این امور هم حرام خواهد بود و در صورتی که قایل به جواز شویم و ساطت برای این امور و تشکیل چنین مؤسسات و بانک هایی جایز خواهد بود.



### نظرات فقها و مراجع عظام تقلید پیرامون صحت و بطلان قرارداد اجاره رحم

- آیت‌الله مکارم شیرازی: دریافت اجرت برای حمل جنین تابع قرارداد است و اگر قراردادی ندارند و جنبه رایگان نداشته باشد، حق اجرت المثل دارد و عمل مزبور نوعی اجاره برای پرورش جنین است نه اجاره اعضای بدن (مکارم شیرازی، ۱۴۲۸: ۲۵۲).
- آیت‌الله فاضل لنکرانی<sup>۱</sup>: اجاره دادن و اجاره کردن رحم زن، صحیح نیست (فاضل لنکرانی، بی‌تا: ۱/۵۶۴).
- آیت‌الله هاشمی شاهرودی: اجاره رحم صحیح است (پایگاه اطلاع رسانی آیت‌الله هاشمی شاهرودی: [hashemishahroudi.com](http://hashemishahroudi.com)).
- مرحوم آیت‌الله تبریزی<sup>۲</sup>: معامله بین مرد و زن برای اجاره رحم باطل است چون قرار دادن نطفه در رحم زن اجنبی حرام است (تبریزی، ۱۴۲۷: ۱۷۸).

### نتیجه

۱. در حکم تکلیفی اهدای اسپرم اجنبی و تزریق آن به رحم زن، دو مبنا وجود داشت: حرمت و جواز. در صورت جواز، معامله اسپرم از لحاظ مالیت داشتن عرفی و شرعی محذوری ندارد. در صورت حرمت، معامله اسپرم صحیح نیست و باطل خواهد بود چرا که شارع منفعت آن را ملغی کرده و مالیتی نخواهد داشت.
۲. حکم تکلیفی رحم جایگزین نیز دو مبنای حرمت و جواز دارد که مخالفان و موافقان ادله‌ای ارایه کرده‌اند. مخالفان دو روایت ذکر می‌کنند که مبتنی بر حرمت استقرار نطفه در رحم زنی است که بر مرد حرام است. موافقان می‌گویند:
  - الف) انتقال سلول تلقیح یافته از اسپرم و تخمک به رحم جایگزین دارای عنوان حرامی نیست.
  - ب) رحم نقشی در تکون جنین ندارد و فقط ظرفی برای پرورش آن است.
  - ج) اصل مباح بودن اشیاء و فعالیت‌ها و اصل برائت عقلی و شرعی

۳. استفاده از رحیم جایگزین صوری دارد که عمدتاً، فتوای فقها به جواز آن است به شرط پرهیز از مقدمات و مستلزمات حرام.
۴. خرید و فروش اسپرم منوط به حکم تکلیفی آن است. بنابر مبنای حرمت، خرید و فروش آن صحیح نیست و بنابر مبنای جواز بیع آن بلا اشکال است.
۵. سلطه انسان بر نفس خود و مالکیت بر اعضای بدن حق وی می‌باشد به معنای توانایی تصرف و بهره‌مندی از آن، لکن بنابر نظر فقها تصرفی که توسط شارع تحدید شده و حق تجاوز از آن را ندارد.
۶. از شرایط صحت بیع، مملوک بودن مبیع و مالیت داشتن آن است که در مورد اعضای بدن و مانند آن مثل اسپرم صدق می‌کند.
۷. در صورت قایل شدن به عدم امکان خرید و فروش اسپرم، می‌توان با رفع ید از حق اختصاص نسبت به اسپرم استفاده کرد.
۸. از دیگر راه‌های انتقال اسپرم بین طرفین می‌توان به هبه، صلح، اعراض، اذن، وکالت یا قراردادهای خصوصی نام برد.
۹. در خرید و فروش تخمک بر اساس دو مبنایی که وجود دارد عمل می‌کنیم. در صورت حرمت، بیع آن باطل است و در صورت جواز که نظر برگزیده همین است بیع تخمک بلا اشکال است.
۱۰. بیع جنین صحیح نیست چرا که جنین، موجودی زنده و دارای حق حیات و شخصیت مستقل هست و خرید و فروش آن با کرامت انسانی سازگاری ندارد.
۱۱. در صورت اضطرار جنین را می‌توان با روش‌ها و معاملات دیگر مانند هبه، صلح، اعراض، اذن، وکالت یا قراردادهای خصوصی به رحیم منتقل کرد.
۱۲. در اجاره رحیم برای حمل جنین که از راه تلقیح مصنوعی تشکیل یافته دو نظر وجود دارد. برخی قایل به جواز و بعضی قایل به حرمت اجاره هستند. در صورت جواز باید از مقدمات و مستلزمات حرام آن دوری شود. در مواردی هم که تلقیح مصنوعی حرام است اجاره رحیم برای حمل جنین ایجاد شده از راه تلقیح حرام و باطل است.

## پی‌نوشت‌ها

- .....
۱. (حجر: ۲۲): «وَأَرْسَلْنَا الرِّيحَ لَوَاقِحَ».
  ۲. (المنجد: ۷۲۸) «لَقَحَ النَّخْلَ، أى وضع طلع الذكور فى الإناث، يعنى بارور کردن نخل مادّه با «طلع» نر».
  ۳. لا إشكال فى حرمة بيع المنى لنجاسته.
  ۴. ان مجرد النجاسة لا يصلح أن يكون علة للمنع من البيع.
  ۵. والظاهر من شتات كلمات الفقهاء أيضاً دوران حرمة التكسب بالنجاسات مدار عدم جواز الانتفاع.

## کتابنامه

- ابن منظور، ابوالفضل، جمال‌الدین، محمد بن مکرم، لسان العرب، بیروت، دار الفكر للطباعة والنشر و التوزيع، ۱۴۱۴ق.
- ابوالحسین، احمد بن فارس بن زکریا، معجم مقائیس اللغة، قم، انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم، ۱۴۰۴ق.
- اردبیلی، احمد بن محمد، مجمع الفائدة و البرهان فی شرح إرشاد الأذهان، قم، دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، ۱۴۰۳ق.
- اصفهانى، حسین بن محمد راغب، مفردات ألفاظ القرآن، لبنان-سوریه دار العلم - الدار الشامیة، ۱۴۱۲ق.
- اصفهانى، فاضل هندی، محمد بن حسن، كشف اللثام و الإبهام عن قواعد الأحكام، قم، دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، ۱۴۱۶ق.
- اصفهانى، مجلسی دوم، محمدباقر بن محمدتقی، بحار الأنوار، بیروت، مؤسسة الطبع و النشر، ۱۴۱۰ق.
- امامی، اسدالله، مطالعه تطبیق نسب در حقوق ایران و فرانسه، تهران، مؤسسه حقوق تطبیقی، ۱۳۴۹.
- بابکی، محمد، رحیم جایگزین از دیدگاه فقه معاصر، قم، مرکز فقهی ائمه اطهار علیهم السلام، ۱۳۹۵.
- بحرانی، آل عصفور، یوسف بن احمد بن ابراهیم، الحدائق الناضرة فی أحكام العترة الطاهرة، قم، دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، ۱۴۰۵ق.
- برقی، ابوجعفر، احمد بن محمد بن خالد، المحاسن، قم، دار الکتب الإسلامية، ۱۳۷۱ق.
- تبریزی، جعفری، محمدتقی، رسائل فقهی، تهران، مؤسسه منشورات کرامت، ۱۴۱۹ق.
- تبریزی، جواد بن علی، استفتاءات جدید، قم - ایران، بی‌نا، بی‌تا.
- \_\_\_\_\_، فقه الأعذار الشرعية و المسائل الطیبة، قم، دار الصدیقة الشهیدة، ۷، ۱۴۲۷ق.
- جواهری، حسن، قرائات فقهیة معاصرة فی معطیات الطب الحديث، بیروت، الغدیر،

۱۴۲۳ق.

جوهری، اسماعیل بن حماد، الصحاح- تاج اللغة و صحاح العربية، بیروت، دار العلم للملایین، ۱۴۱۰ق.

جمعی از نویسندگان، اهدای گامت و جنین در درمان ناباروری، تهران، پژوهشکده ابن سینا و سمت ۱۳۹۶.

حائری، سید علی بن محمد طباطبایی، ریاض المسائل، قم، مؤسسه آل البيت علیه السلام، ۱۴۱۸ق.  
حائری، سید کاظم حسینی، الفتاوی المنتخبة (مجموعة إجابات فی فقه العبادات و المعاملات)، قم - ایران، بی‌نا، بی‌تا.

حکیمی، ندا، ماهیت حقوقی جنین اهدایی به پدر و مادر نابارور، تهران، روزنامه شرق، ش ۸۰۵.

حکیم، سید محسن طباطبایی، مستمسک العروة الوثقی، قم، مؤسسة دار التفسیر، ۱۴۱۶ق.  
حکیم، سید محمد سعید طباطبایی، مسائل معاصرة فی فقه القضاء، نجف اشرف، دارالهیال، ۱۴۲۷ق.

حلی، علامه، حسن بن یوسف بن مطهر اسدی، تذکرة الفقهاء، قم، مؤسسه آل البيت علیه السلام، بی‌تا.  
حلی، محقق، نجم‌الدین، جعفر بن حسن، شرائع الإسلام فی مسائل الحلال و الحرام، قم - ایران، مؤسسه اسماعیلیان، ۱۴۰۸ق.

حمیری، نشوان بن سعید، شمس العلوم و دواء کلام العرب من الکلوم، بیروت، دار الفکر المعاصر، ۱۴۲۰ق.

خامنه‌ای، سید علی بن جواد حسینی، أجوبة الاستفتاءات، بیروت، الدار الإسلامية، ۱۴۲۰ق.  
خمینی، سید روح‌الله موسوی، تحریر الوسیلة، قم، مؤسسه مطبوعات دار العلم، بی‌تا.  
\_\_\_\_\_، مکاسب المحرمه، قم، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی علیه السلام، ۱۴۱۵ق.  
خویی، سید ابوالقاسم موسوی، المستند فی شرح العروة الوثقی، بی‌نا، بی‌تا.  
درسنامه دستگاه تولید مثل، تهران، دانشکده پزشکی دانشگاه علوم پزشکی و خدمات بهداشتی و درمانی شهید بهشتی.

دزفولی، مرتضی بن محمدامین انصاری، کتاب مکاسب، قم، کنگره جهانی بزرگداشت

شیخ اعظم انصاری، ۱۴۱۵ق.

- دهخدا، علی اکبر، لغت نامه دهخدا، تهران، دانشگاه تهران، ۱۳۷۳.
- رضانیا معلم، محمدرضا، باروری های پزشکی، قم، بوستان کتاب، ۱۳۸۶.
- سبزواری، سید عبدالأعلى، مهذب الأحكام، قم، مؤسسه المنار، ۱۴۱۳ق.
- سعدی ابوجیب، القاموس الفقهي لغة و اصطلاحا، دمشق، دار الفكر، ۱۴۰۸ق.
- سیستانی، سید علی حسینی، قاعدة لا ضرر و لا ضرار، بی نا، بی تا.
- سیستانی، سید محمدرضا، وسائل الانجاب الصناعية، بیروت، دار المؤرخ العربی، ۲۰۰۴.
- شهیدی، مهدی، مجموعه مقالات حقوقی، تهران، نشر مجد، ۱۳۹۱.
- شویایی جویباری، حسین، تقریرات درس خارج فقه (مسائل مستحدثه)، مخطوط، قم، ۱۳۹۲.
- شیبانی فر، محمدحسین، شرح اصطلاحات فقهی و حقوقی، تهران، نشر حکمت علوی، ۱۳۹۰.

- طریحی، فخر الدین، مجمع البحرين، تهران، کتابفروشی مرتضوی، ۱۴۱۶ق.
- عاملی، حرّ، محمد بن حسن، وسائل الشیعة، قم، مؤسسه آل البيت علیه السلام، ۱۴۰۹ق.
- عاملی، سید جواد بن محمد حسینی، مفتاح الکرامة فی شرح قواعد العلامة، قم، دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، ۱۴۱۹ق.
- عاملی، شهید ثانی، زین الدین بن علی، مسالك الأفهام إلى تنقيح شرائع الإسلام، قم-ایران، مؤسسة المعارف الإسلامية، ۱۴۱۳ق.
- عاملی، کرکی، محقق ثانی، علی بن حسین، جامع المقاصد فی شرح القواعد، قم، مؤسسه آل البيت علیه السلام، ۱۴۱۴ق.

- عمید، حسن، فرهنگ لغت عمید، تهران، انتشارات امیر کبیر، ۱۳۹۳.
- فاضل لنکرانی، محمد، جامع المسائل، قم، امیر قلم، بی تا.
- فاضل لنکرانی، محمد جواد، بررسی فقهی حقوقی تلقیح مصنوعی، قم، مرکز فقهی ائمه اطهار، بی تا.
- فتاحی معصوم، سید حسین، مجموعه مقالات و گفتارهای سومین همایش دیدگاه های اسلام در پزشکی، مشهد، معاونت پژوهشی دانشگاه علوم پزشکی مشهد، ۱۳۸۴.

- فصلنامه فقه پزشکی، سال هفتم، شماره ۲۴ و ۲۵، ۱۳۹۴.
- قاروبی تبریزی، حسن، *النضید فی شرح روضه الشہید*، تهران، نشر عالمه، ۱۳۹۸.
- قرشی، سید علی اکبر، *قاموس قرآن*، تهران، دار الکتب الإسلامية، ۱۴۱۲ق.
- قمی، صدوق، محمد بن علی بن بابویه، *ثواب الأعمال و عقاب الأعمال*، قم-ایران، دار الشریف الرضی للنشر، ۱۴۰۶ق.
- قمی، محمد مؤمن، *کلمات سدیة فی مسائل جدیدة*، قم-ایران، دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، ۱۴۱۵ق.
- قوه قضائیه، مجله حقوق دادگستری، تهران، ۱۳۸۹.
- کلینی، ابو جعفر، محمد بن یعقوب، *الکافی*، تهران-ایران، دار الکتب الإسلامية، ۱۴۰۷ق.
- گرجی، ابوالقاسم، *مقالات حقوقی*، تهران، مؤسسه چاپ و انتشارات دانشگاه تهران، ۱۳۸۶.
- گلپایگانی، لطف الله صافی، *جامع الأحکام*، قم، انتشارات حضرت معصومه ۷، ۱۴۱۷ق.
- لنکرانی، محمد فاضل موحدی، *احکام پزشکان و بیماران*، بی نا، بی تا.
- معین، محمد، *فرهنگ لغت*، تهران، انتشارات زرین ۱۳۸۸.
- مکارم شیرازی، ناصر، *احکام بانوان*، قم، انتشارات مدرسه امام علی بن ابی طالب، ۱۴۲۸ق.
- \_\_\_\_\_، *احکام پزشکی*، قم، انتشارات مدرسه امام علی بن ابی طالب، ۱۴۲۹ق.
- نجفی، محمدحسن، *جواهر الکلام فی شرح شرائع الإسلام*، بیروت، دار إحياء التراث العربی، بی تا.
- یزدی، سید محمدکاظم طباطبایی، *العروة الوثقی مع التعليقات*، قم، انتشارات مدرسه امام علی بن ابی طالب ۱۱، ۱۴۲۸ق.
- \_\_\_\_\_، *حاشیة المکاسب*، قم-ایران، مؤسسه اسماعیلیان، ۱۴۱۰ق.

